

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بررسی فقہی

قاعدہ تسبیب و تطبیق آن بر مسأله کرونا

علی گلستانی

استاد مشاور: حجت الاسلام مصطفی پور

سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱

حوزه علمیه آیت الله مصطفوی

دین مبین اسلام که دارای جامعیتی بی نظیر در میان ادیان و مکاتب مختلف می باشد؛ در مسائل و زمینه‌های گوناگونی همیشه پاسخگوی نیازهای مردم و جامعه بوده و پناهگاه محکمی برای اندیشمندان و جویندگان علم و معرفت بوده است.

یکی از مسائل نوظهور و مستحدثه، بیماری ای شائع و فراگیر به نام کرونا (COVID-19) است که مدتی است نه تنها کشور ما بلکه جهان و جهانیان با آن دست و پنجه نرم می کنند. از مسائل مهم در این موضوع مسئله ضمان و ترتب آثار آن بر این بیماری است. با توجه به شیوع فراوان و ابتلای افراد بسیاری به این بیماری و جان دادن بخش قابل توجهی از آنان، مسئله ترتب ضمان و مسائل فقهی و حقوقی مرتبط با آن از مباحث بسیار مهم و قابل توجه می باشد.

در این مقاله از منظر قاعده فقهی تسبیب، به مسئله کرونا نگاه شده و مسائل فقهی و حقوقی آن در حد امکان تبیین شده است. همچنین با استفاده از آیات، روایات و ادله قانونی ترتب ضمان ثابت گردیده است.

برخی از سوالاتی که پس از مطالعه این اثر به پاسخ آن دسترسی حاصل خواهد شد، عبارتند از:

(۱) تفاوت قاعده فقهی تسبیب با قاعده فقهی اتلاف و مهم‌ترین وجه اختلاف این دو قاعده در چیست؟

(۲) آیات قرآن و روایات، موید و معین قاعده فقهی تسبیب می باشند یا نه؟

(۳) در مقام اجتماع سبب و مباشر، کدام یک از آن دو اقوا می باشند؟

(۴) ملاک کلی برای اثبات ضمان در صورت اجتماع سبب و مباشر چیست؟

(۵) استثناء قانون (اکراه موجب رفع ضمان است) چه موردی می باشد؟

و سوالات فرعی دیگری که در خلال بحث به آنها پاسخ داده خواهد شد ان شاءالله.

کلید واژه:

| | | | |
|---------|---------|---------|--------|
| * کرونا | * تسبیب | * اتلاف | * ضمان |
| * دیه | * مباشر | * سبب | * تلف |

پس از آنکه در اواخر سال ۱۳۹۸ اتفاقی مهم و اثرگذار یعنی بیماری ای شایع و فراگیر به نام (کرونا) سرتاسر جهان را به آرامی شروع به فراگیری نمود و کشور ما نیز از آن مستثنی نبود؛ دیدگاه اسلام و نظریات دقیق و ناب آن در این زمینه همانند دیگر مسائل آن مورد توجه و استقبال قرار گرفت.

مسائل فقهی و قواعد مهم آن از مسائل مستحدثه ای بود که توجه حوزویان و علاقمندان به اسلام را به خود جلب نمود؛ با توجه به اینکه بیماری کرونا دارای شیوع و قدرت پخش بالایی می باشد و بسیاری از افراد را نیز تاکنون به کام مرگ کشانده، از مسائل و قواعد فقهی مهم در این زمینه (قاعده تسبیب) می باشد که پاسخگوی برخی سوالات مهم و اساسی به ویژه در مسئله ضمان در مورد این بیماری می باشد، که این قاعده در مقابل قاعده فقهی مهم دیگر به نام (اتلاف) قرار دارد و به آن ضرر و خسارتی می پردازد که با سبب و بدون مباشرت مستقیم شخص صورت گرفته است.

ثمرات، نتایج و اثبات ضمان یا عدم آن که از این قاعده فقهی برداشت می شود حائز اهمیت بوده و می طلبد در بخش ها و آثار مختلفی به آن پرداخته شود. در این مقاله به بررسی موضوعی جدید یعنی "بررسی فقهی قاعده تسبیب و تطبیق آن بر مسئله کرونا" می پردازیم و تلاش می نماییم در حد وسع خویش این مسئله را بررسی نموده و ابعاد فقهی و حقوقی آن را در حد توان بیان نماییم ان شاء الله .

قاعده تسبیب که بحث از آن در جمله قواعد فقهیه مطرح می‌گردد نه قواعد اصولیه (۱) در مقابل قاعده فقهی مهم به نام (اتلاف) قرار دارد، تلف به معنای هلاکت و نابودی-به نحو مباشرت- می‌باشد که نسبت به وجود ضمان و ترتب ضمان بر آن یک مسئله مشهور و مورد اتفاق میان فقهاست؛ مرحوم بجنوردی(ره) می‌فرماید: (من جمله القواعد الفقهیه المشهوره اللتی تمسک بها الفقهاء فی موارد الضمان هی قاعده "من اتلف مال الغیر بلا اذن منه فهو له ضامن") (۲)

ترتیب ضمان و اثبات آن به وسیله این قاعده از آیات کریمه قرآن (۳) و روایات متعددی بیان شده است، برای مثال در (مستدرک الوسائل) از امیرمؤمنان "سلام الله علیه" روایت شده که فرمودند: "انه قضی فیمن قتل دابه عبثاً او قطع شجرأ او افسد زرعاً او هدم بیتا او بئراً او نهراً ان یغرم قیمه ما استهلک و افسد و ضرب جلسات نکالا وان اخطأ و لم یتعمد ذلک فعليه الغرم ولا حبس ولا ادب وما اصاب من بهیمه فعليه ما نقص من ثمنها" (۴)

در مجموع، روایات مثبت ضمان در باب اتلاف از حد تظافر گذشته و شاید بتوان ادعای تواتر معنوی نمود.

اما قاعده فقهی تسبیب که در تعریف آن بیان های مختلف و متفاوتی مطرح شده است (۵)

۱- قواعد فقهیه آن دسته از قواعدی است که به بیان قواعد کلی حول محور مباحث فقهی می‌پردازد و در سابق، علمای اسلام بر خلاف قواعد اصولی که آن را به گونه ای مستقل و مجزا مطرح می‌نمودند آنها را در خلال بحث های اصولی و گاهی نیز در خلال مباحث فقهی مطرح می‌کردند مانند مرحوم شیخ انصاری(ره) در کتاب رسائل که بعد از مطرح کردن مباحث برائت و اشتغال به ذکر خاتمه ای می‌پردازند که در خلال آن به بیان قاعده فقهی مهم و پرکاربرد "لاضرر" می‌پردازند. می‌توان گفت تقریباً اولین کسی که به گونه ای مستقل به بیان قواعد فقهی پرداخته‌اند مرحوم ابوعبدالله الشمس الدین محمد بن مکی العاملی(المعروف بالشهید الاول-ره-) می‌باشند که در کتاب (قواعد و فوائد) خودشان به مباحث قواعد فقهی پرداخته‌اند که هرچند قواعد دیگری نیز غیر از قواعد فقهی در خلال آن مطرح نموده اند....

به طور خلاصه برای بیان تفاوتی که میان قواعد فقهی با قواعد اصولی است به این دو مورد اشاره می‌کنیم:

(۱) القاعده فقهیه حکم شرعی عام مستفاد من خلال تطبیقها احکام شرعیه جزئیه هی مصادیق لذلک الحکم العام، بخلافه فی القاعده الاصولیه فان ما يستحصل علیه منها هی احکام شرعیه مغایره لذلک الحکم العام.

(۲) ان القاعده الفقهیه تقدّم لنا من خلال تطبیقها احکام جزئیه بخلاف القاعده الاصولیه فانها تقدم لنا احکام کلیه

۲- القواعد الفقهیه ج ۲، ص ۲۵

۳- سوره بقره، ۱۹۴ سوره نحل، ۱۲۶ سوره شوری، ۴۰

۴- مستدرک الوسائل ج ۱۷، ص ۹۵

۵- شاید منشا این اختلافات کلمه "سبب" باشد که در اینجا به معنای فلسفی یعنی علت تامه برای تحقق تلف نیست و اینگونه نیست که از وجود آن وجود تلف لازم آید، هرچند به گونه ای است که از عدم آن عدم تلف لازم می‌آید؛ زیرا سبب در اینجا به عنوان شرط یا علت ناقصه موثر است. قواعد فقه جلد ۱ صفحه ۳۱۲

که ما به تعریف مرحوم آیت الله سید محمد حسن بجنوردی (ره) در کتاب "القواعد الفقہیہ" اکتفا می نمائیم؛ ایشان در جلد ۲ کتاب صفحه ۳۱ می فرمایند: (ان الاتلاف قد یكون بالمباشرة و قد یكون بالتسبیب... والثانی عبارة عن کل فعل صار سبباً لوقوع التلف و لم یکن علّه تامه للتلف او جزء الاخیر من العله التامه بل یكون بحیث لو لم یصدر عنه هذا الفعل لم یقع التلف و لهذا عرفوه السبب بانه ما لا یلزم من وجوده الوجود والا فهو العله التامه او الجزء الاخیر منها ولكن یلزم من عدمه العدم) (۱)

اکنون که ماهیت قاعده تسبیب به طور کلی روشن گردید لازم است (۲) این قاعده ی مهم فقهی را بر مسئله کرونا تطبیق داده و مسائل مورد بحث در آن را تبیین نمائیم:

مثال اول) شخصی که مبتلا به بیماری کرونا شده است و از این مسئله نیز آگاه است به علت کوتاهی و سستی کردن؛

- ۱- دیگر بزرگان نیز در آثار خود به توضیح و تعریف قاعده تسبیب پرداخته اند که به برخی از آنها اشاره می شود:
- (۱) حضرت آیت الله محمدحسن نجفی (ره) صاحب کتاب گرانقدر "جواهر الکلام" در این رابطه چنین می گویند: (التسبیب، و هو کل فعل یحصل التلف بسببه کحفر البئر فی غیر الملك، و کطرح المعائر فی المسالك) "جواهر الکلام؛ ج ۳۷، صفحه ۴۶"
- (۲) مرحوم محقق (ره) در کتاب (شرائع الاسلام) در کتاب غضب چنین تعریف می نمایند: (التسبیب و هو کلّ فعل یحصل التلف بسببه کحفر البئر فی غیر الملك) و ایشان در کتاب (دیات) گویند: (ما لولاه لما حصل التلف لکن علّه التلف غیره)
- (۳) امام خمینی (ره) در کتاب (تحریر الوسیله) می فرمایند: (و المراد بها هاهنا کل فعل یحصل التلف عنده بعلّه غیره بحیث لولاه لما حصل التلف کحفر البئر و نصب السکین و اللقاء الحجر و ایجاد المعائر و نحوها) (تحریر الوسیله ج ۲، صفحه ۵۰۸)
- (۴) آیت الله مکارم شیرازی (حفظه الله) در کتاب قواعد فقہیہ خودشان بیان می دارند که: (ذکر الفقهاء رضوان الله علیهم فی کلماتهم تقسیم الإتلاف إلى قسمین: الإتلاف بالمباشرة و بالتسبیب، وقد یقال فی تعریف الثانی: إنّ ضابط السبب ما لولاه لما حصل التلف، لکن علّه التلف غیره، کحفر البئر، و نصب السکین، و لقاء الحجر (یعنی فی الطریق)، فإنّ التلف عنده بسبب العثار... و قال العلامه رحمه الله فی کتاب الدیات من «القواعد» عند تعریف السبب: إنّ السبب هو کلمة یحصل التلف عنده بعلّه غیره، إلّا أنه لولاه لما حصل من العله تأثیر کالحفر مع التردی.
- و قال ولده رحمهما الله فی «الإيضاح»: لو حبس الشاة أو حبس المالك عن حراسه ماشيته فاتفق تلفها، أو غضب دابة فتبعها ولدها، یصدق فی الأول من أنه مات بسببه لصحة إسناده إليه عرفاً، ولأنّ السبب هو فعل ما یحصل الهلاک عنده لعلّه سواه، وهذا تفسیر بعض الفقهاء، وزاد آخرون ولولاه لما أثرت العله، وهذا التفسیر أولی) (ج ۲، صفحه ۱۷۹)
- حضرت آیت الله مکارم شیرازی "حفظه الله" نکات ارزشمند و قابل توجهی را درباره تعاریف مطرح شده و درباره این قاعده مطرح نموده اند که سزاوار است محققین و فضلاء گرانقدر، از آن منبع و نکات پیرامون آن استفاده نمایند.
- ۲- اکنون که تعریف هر دو قاعده مهم اتلاف و تسبیب مطرح گردید اشاره ای کوتاه به تفاوت میان این دو قاعده لازم است:
- (یک) در اتلاف، تقصیر شرط ایجاد مسئولیت نیست لکن در تسبیب کاری که به مسبب نسبت داده می شود باید در نظر عرف ناشایست و خلاف باشد.
- (دو) در اتلاف، شخص به طور مستقیم و بی آنکه واسطه ای در کار باشد مال دیگری را تلف می نماید ولی در تسبیب برای اتلاف مقدمه سازی می شود و احتمال دارد که آن مقدمه نیز هیچگاه به اتلاف منجر نگردد.
- (سه) در اتلاف مال غیر، تنها انجام یک فعل مثبت، این زیان را به بار می آورد لکن در تسبیب ممکن است انجام کار یا خودداری از انجام کار به این ضرر منجر شود و در نتیجه، مسئولیت به بار آورد؛ فعل منفی مانند آنکه سوزنbian راه آهن در اثر تغییر ندادن سوزن، سبب تصادم دو قطار به یکدیگر شود

از زدن ماسک در اجتماع خودداری نموده و وارد اجتماع می‌شود و دیگران به واسطه چنین شخصی به این بیماری مبتلا می‌شوند و حتی برخی از آنان به همین دلیل جان خود را از دست می‌دهند.. در اینکه آیا ضمان به عهده شخص هست یا نه؟ لازم است به آیات کریمه قرآن و روایات رجوع نمائیم:

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: " وان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عاقبتهم به..." اگر (ستمگر را) مجازات کردید پس فقط به مانند ستمی که به شما شده مجازات کنید. (۱) در صحیح زراره از امام صادق "علیه السلام" آمده که از حضرت سوال شد: مردی چاه را در غیر ملک خود حفر نموده و عابری در حین عبور از آن در آن افتاده است حکم قضیه چیست؟ امام صادق "سلام الله علیه" فرمودند: "علیه الضمان لان کل من حفر فی غیر ملکه کان علیه الضمان" (۲)

بنابراین در اینجا نیز که شخص بواسطه عدم رعایت مسائل بهداشتی و خودداری از زدن ماسک، منجر به بیماری شخص دیگری شده ضامن خواهد بود و در صورت جان دادن آن شخص، دیه نیز بر عهده چنین شخصی خواهد آمد.

مثال دوم) شخصی که می‌داند مبتلای به این ویروس است از وسیله ای عمومی چون لیوان استفاده نموده و پس از شرب آب، آن را در معرض استفاده دیگران قرار می‌دهد؛ شخص دیگری نیز به سبب نوشیدن آب از آن، به این بیماری مبتلا گردیده و حتی جان خود را از دست می‌دهد...؛

خبر سکونی از امام صادق "سلام الله علیه" که امام "علیه السلام" فرمودند: رسول خدا "صلی الله علیه وآله و سلم" فرمودند: " من اخرج میزاباً او کنیفاً او اوتد وتداً او اوثق دابّه او حفر بئراً فی طریق المسلمین فاصاب شیئاً فعطب فهو له ضامن" هرکس ناودانی یا گودالی در میان راه مسلمین ایجاد کند و یا میخ یا افسار مرکبش را بکوبد یا چاهی را در راه مسلمین حفر نماید و چیزی به آنها اصابت کند و ضرر ببیند، مرتکب، ضامن است. (۳)

۱- سوره نحل-۱۲۶؛ نکته: هر چند آیه شریفه عام بوده و شامل تلف مال و انفس می‌گردد لکن شمول آیه نسبت به اموال، محل اشکال است؛ زیرا به اتلاف مال عقوبت گفته نمی‌شود، به تعبیر مرحوم راغب اصفهانی (ره) در مفردات: (العقوبه والمعاقبه والعقاب یختص بالعذاب) پس به اتلاف مال، عقاب اطلاق نمی‌شود

۲- تهذیب الاحکام، ج. ۱۰، ص. ۲۳۰، ج. ۹۰۷

۳- الفقیه، ج. ۴، ص. ۱۵۴

این مثال که تحت قاعده فقهی "تسبیب" می باشد با توجه به ادله فراوان روایی که یکی از آنها گذشت ضمان بر مرتکب ثابت می گردد و شخص باید در صورت پیش آمدن مسائل حقوقی - چون دیه و.. - آن را پرداخت نماید.

مثال سوم) رئیس یک بیمارستان که بیماران کرونایی در آن هست، به پرستار خود دستور می دهد که وارد بخش کرونایی بیمارستان گردد و در آنجا خدمت به بیماران نماید؛ پرستار نیز که وارد بخش کرونایی بیمارستان شده است، پس از مدتی خود به این بیماری مبتلا می گردد و دچار ضرر یا خسارتی می شود..؛

نکته ی مهم و تفاوتی که این مثال با موارد قبلی دارد اینست که در اینجا یک سبب داریم (همان رئیس بیمارستان) و یک مباشر (پرستار)؛ درباره اینکه در این مواقع چه کسی ضامن است؟ میان فقها نظریات مختلفی مطرح است ، برای مثال مرحوم علامه (ره) در کتاب تذکره الفقهاء، باب غصب می فرمایند: (ضمان به عهده مباشر است مگر اینکه سبب اقوا باشد)

یا عبدالرحمن بن رجب حنبلی (م ۷۹۵ ه.ق) در کتاب القواعد فی الفقه الاسلامی در قاعده ۱۲۷ می گوید: (در اتلاف اموال وجانها اگر سبب و مباشر جمع شوند، مباشر ضامن است مگر اینکه ظهور نسبت فعل تلف به سبب بیشتر باشد و مباشرت از سبب نشأت گرفته باشد).

اما به طور کلی هنگام اجتماع سبب و مباشر چند حالت متصور است که هر یک، احکام منحصر به فرد خود را دارد:

الف) سبب اقوی از مباشر باشد.

ب) مباشر اقوا از سبب باشد.

ج) سبب و مباشر متساوی باشند.

اما در این مثالی که گذشت، سبب که همان رئیس بیمارستان است اقوا از مباشر می باشد و در صورت پیش آمدن ضرر یا خسارت مالی و جانی، مسئول؛ رئیس بیمارستان خواهد بود نه پرستار؛ لذا در این مورد و موارد مشابه آن از باب اینکه سبب اقوی از مباشر است، سبب، مسئول و ضامن خواهد بود نه مباشر.

صحیحہ حلبی از امام صادق "علیه السلام" روایت کرده است که حضرت فرمودند: "کلّ شیء یضرّ بطریق المسلمین فصاحبه ضامن لما یصیبه" (۱)

همچنین خداوند متعال نیز در سوره شوری آیه ۴۰ می‌فرماید: "جزاء سیئه سیئه مثلها" پاداش بدی (چون قتل و زخم زدن و اتلاف مال) مانند همان بدی است. بنابراین در این مثال نیز بنا بر آیات و روایات و از آنجا که سبب اقوی از مباشر می‌باشد، رئیس بیمارستان در صورت بروز ضرری یا خسارتی، ضامن و مسئول خواهد بود.

مثال چهارم) شخصی با حضور در جمع دیگران و تضعیف رعایت مسائل بهداشتی، تشویق به عدم زدن ماسک و زیر پا گذاشتن شیوه نامه های بهداشتی می‌نماید؛ برخی مستمعین بواسطه شنیدن سخنان این فرد، نسبت به مسائل بهداشتی همچون زدن ماسک کوتاهی نموده و کنار می‌گذارند؛ اما به همین دلیل و بواسطه حضور در جمع افرادی که خود مبتلا هستند دچار این بیماری می‌شوند و ضرر های مالی و جانی نیز عائد آنان می‌گردد...؛

در این مثال نیز-که اجتماع سبب و مباشر است- هرچند در ابتدای امر به نظر می‌رسد هر دو علت یعنی سبب و مباشر رابطه تساوی داشته باشند؛ لکن با دقت نظر برداشت می‌شود در این مثال، مباشر اقوا از سبب است، همانند آنکه شخصی، دیگری را دستور دهد که مزرعه کسی را به آتش بکشد و یا مثلا به دوست خود بگوید این گوسفند غیر را بکش و به دوستانت میهمانی بده؛ در اینجا مباشر اقواست چرا که با عقل، اختیار و آگاهی خود دست به چنین کاری زده است.

خلاصه مطلب آن است که باید دید در عرف، فعل تلف به چه کسی منتسب است؟ آیا به مباشر یا به مسبب؟

موثقه سماعه از امام صادق "علیه السلام" نقل می‌کند که از آن حضرت سوال کردم در خصوص مردی که چاهی را در خانه خود حفر می‌کند و دیگری در آن می‌افتد، حکم آن چیست؟

حضرت فرمودند: اگر چاه در ملک خودش باشد باعث ضمان نیست اما اگر در ملک غیر یا معبر عام حفر شده باشد و

دیگری در آن بیفتد موجب ضمان است. (موثق سماعه: سالت ابا عبدالله "علیه السلام" عن الرجل يحفر البئر في داره او ملكه؟ فقال "عليه السلام": "ما كان حفر في داره او ملكه فليس عليه ضمان و ما حفر في الطريق او في غير ملكه فهو ضامن لما يسقط فيها") (۱) بنابراین در اینجا باید با مراجعه به عرف تشخیص داد که فعل تلف آیا منسوب به مباشر است یا سبب؟ که ظاهر در این مسئله با توجه به اختیار، آگاهی و عقل مباشر آن است که فعل تلف منسوب به او باشد، بنابراین مباشرمسئول، و ضمان برای او ثابت خواهد بود.

مثال پنجم) شخصی که مبتلا به بیماری کروناسست به دندانپزشکی مراجعه می نماید و دکتر با وسائل مربوطه به مداوای مریض می پردازد، اما بعد از آن مریض دیگری وارد می شود و با همان وسائل بدون ضد عفونی کردن آنها به مداوای او نیز می پردازد، در اینجا چند صورت متصور است که هر یک حکم جداگانه ای دارد:

الف) دکتر اطلاعی از بیماری کرونای شخص قبلی ندارد لذا بدون ضد عفونی کردن وسائل، مریض دوم را درمان می نماید.

ب) دکتر با اطلاع از مسئله بیماری کرونای بیمار قبلی تعمداً و به علت سستی، اقدام به ضد عفونی کردن نمی نماید.

ج) دکتر به کمک کار خود دستور به ضد عفونی کردن وسائل می دهد و او از بیماری شخص قبلی مطلع نیست و به علت کوتاهی، ضد عفونی نمی کند.

د) دکتر به کمک کار خود دستور به ضد عفونی کردن می دهد و او با اطلاع از آلودگی وسائل تعمداً ضد عفونی نمی کند. اما در صورت اول از آنجا که دکتر اطلاعی از این مسئله نداشته و تعمدی نیز در کار نبوده است، ظاهراً ضمانتی برعهده او نیست و مسئول نخواهد بود.

اما صورت دوم چون علم و آگاهی بوده و تعمد نیز در کار بوده است بر مبنای روایاتی که گذشت دکتر، ضامن و مسئول خواهد بود.

در صورت سوم از آنجا که پرستار و کمک کار، اطلاع از این مسئله ندارد و کوتاهی نموده است و عمدی نبوده، ظاهراً ضامن نیست بلکه حتی پزشک نیز مسئول نخواهد بود.

اما صورت چهارم قطعاً پرستار و کمک کار ضامن خواهد بود و در صورت بروز ضرر و خسارات، اوست که مسئول است و باید ضمانت آن را پرداخت نماید؛ خداوند متعال در سوره بقره آیه ۱۹۴ فرمودند: "... فمن اعتدى عليك فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليك..." پس هر که بر شما تعدی کرد، شما هم به مثل آن بر او تعدی کنید.

مثال ششم) شخصی نگهبان یک کارخانه است، یکی از کارگرهای کارخانه مبتلا به این بیماری است (و نگهبان نیز از آن مطلع است) با اجازه نگهبان وارد کارخانه شده و به همین سبب برخی دیگر از کارگرهای کارخانه به این بیماری مبتلا می‌شوند و حتی جان خود را از دست می‌دهند؛ این مسئله دو صورت دارد:

(۱) نگهبان به اختیار خود کارگر بیمار را به کارخانه راه می‌دهد.

(۲) نگهبان به دستور رئیس کارخانه ملزم شده است که همه کارگرها راحتی بیماران را نیز به کارخانه راه دهد.

در صورت اول که شخص (نگهبان) خود بالاختیار، کارگر بیمار را به کارخانه راه داده است، ضمان بر عهده او ثابت است و هرگونه پیش آمدی بر عهده او خواهد بود. "كل شيء يضر بطريق المسلمين فصاحبه ضامن لما يصيبه" (۱)

در صورت دوم که اجتماع سبب و مباشر است نیز دو صورت دارد:

یک) رئیس کارخانه او را مجبور و اکراه نموده است که حتماً چنین شخص بیماری را به کارخانه راه دهد.

دو) اجباری در کار نبوده و تنها یک دستور معمولی بوده است.

اما صورت اول اگرچه اکراه و اجبار در کار بوده است و ظاهر آنست که اکراه موجب رفع ضمان مباشر می‌باشد لکن این قانون (اکراه موجب رفع ضمان است) یک استثناء دارد و آن در مورد قتل نفس است که کسی نمی‌تواند دیگری را بکشد

و به عذر اکراه، خود را معاف بداند، زیرا خونی رنگین تر از خون دیگر نیست، البته این عقیده مشهور فقهاست و عقیده دیگری نیز در این باره وجود دارد. (قواعد فقه صفحه ۳۸)

لذا در این صورت نیز که احتمال از دست دادن جان می رود، مباشر که همان نگهبان است، ضامن و مسئول خواهد بود؛ چون در عرف نیز این فعل تلف به مباشر نسبت داده می شود و توقع ایستادن در مقابل دستور نامتعارف رئیس را از آن نگهبان دارند.

اما در صورت دوم قطعاً مباشر که همان نگهبان است، ضامن پیش آمدها و خسارات خواهد بود، به همان ادله قرآنی و روایی ای که گذشت.

مثال هفتم) شخصی ادعا می کند واکسن خود را تزریق نموده است و ایمنی نسبی را کسب نموده لذا وارد مکان عمومی ای می شود که یکی از شرایط آن تزریق واکسن می باشد، اما آن شخص که بیماری کرونا نیز دارد و خود هم از آن مطلع است به سبب این کار و ورود به اجتماع، برخی از افراد را مبتلا نموده است و حتی جان برخی به خاطر این مسئله به خطر افتاده است.

در اینجا نیز طبق روایات و ادله ای که گذشت ضامن خواهد بود و مورد سوال قرار خواهد گرفت؛ (عن ابی عبدالله" علیه السلام" فی اربعه شهدوا علی رجل محصن بالزنا ثم رجع احدهم بعد ما قتل الرجل قال: "ان قال الرابع اوهم ضرب الحد و اغرم الدین و ان قال: تعمدت قتل") (۱)

نکته: در صورتی که سبب و مباشر هر دو تاثیرشان و عملکردشان تساوی باشد، برخی از حقوقدانان نظر داده اند که مسئولیت نیز به طور تساوی میان آنان تقسیم می شود و هر دو ضامن می باشند. [حقوق مدنی جلد ۱ صفحه ۳۹۶] ولی قانون دیات در ماده ۶۹ تنها مباشر را ضامن معرفی نموده است. [جواهر الکلام، جلد ۴۳ صفحه ۱۴۵] چون مباشر اگر عاقل و مختار باشد ضامن به عهده اوست و اگر چنین نباشد از باب اقوی بودن سبب، ضامن به عهده اوست نه مباشر؛ اما به طور کلی ملاک همانست که در عرف فعل تلف به چه کسی منتسب می باشد؟ در صورت تساوی، فعل تلف به مباشر نسبت داده می شود، هر چند به دستور مسبب بوده و یا به وسیله تسبیب، تمهید مقدمه شده باشد. [قواعد فقه، ج ۱، ص ۳۱۷، ۳۱۸]

خداوند متعال که فاعل حقیقی و خالق تمام موجودات جهان است، برای تمامی ابعاد زندگی موجودات، دستورالعمل‌ها و احکام ویژه‌ای را تبیین و مطرح نمودند که با تمسک به آنها نه کسی بیراهه می‌رود و نه راه کسی را می‌بندد؛ خدای متعال در قرآن کریم سوره انعام آیه ۵۹ می‌فرماید: "ولا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین" هر آنچه که مورد نیاز شما باشد، جملگی در کتاب روشن ثبت و ضبط است؛ لذا در موقعیت‌ها و پیشامدهای مختلف، همه انسان‌ها به ویژه مسلمین و پیروان صراط مستقیم لازم است به دو ثقل اعظم الهی چنگ زنند و دستورات و توصیه‌های آن را به جان بخرند.

از آنجا که موضوع مقاله (بررسی فقهی قاعده تسبیب و تطبیق آن بر مسئله کرونا) بود، از پنجره آیات و روایات به این مسئله نگاه انداخته شد و بیان شد که کتاب و سنت اهتمام ویژه‌ای نسبت به جان افراد و حیات مردمان دارد و دستور به رعایت جوانب احتیاط در همه زمینه‌ها داده است به گونه‌ای که رسول خدا "صلی الله علیه وآله وسلم" فرمودند: "المؤمن کیس الفطن الحذر" (دعوات راوندی، ص ۳۹) مومن، عاقل، چیز فهم و محتاط است.

لذا اگر شخصی به هر طریقی، ضرری به یکی از مسلمین وارد سازد (چه بالمباشره باشد - اتلاف - وچه غیر آن - تسبیب -) چه آن خسارت و ضرر، مالی باشد و چه جانی؛ ضامن خواهد بود و مورد سوال واقع خواهد شد.

بنابراین می‌طلبند مومنین و پیروان خاندان وحی و توحید، نسبت به مسائلی که نتیجه آنها ضرر و خسارت به مسلمین دیگر است محتاطانه عمل نمایند و در این مسئله نوظهور - بیماری کرونا - نیز به دستور شرع و عقل عمل نموده و اعتنائی به ظن و سخنان غیرمتقن نداشته باشند.

اللهم وقنا لما تحبّ و ترضی

منابع:

- (١) قرآن كريم
- (٢) بجنوردى، سيد محمد حسن، القواعد الفقهيّة، انتشارات دليل ما - ١٣٨٢
- (٣) طاهري، حبيب الله، قواعد فقه، دفتر انتشارات اسلامي - ١٣٩٤
- (٤) ايرواني، باقر، دروس تمهيديه في القواعد الفقهيّة، انتشارات نسايع - ١٣٩٨
- (٥) نجفي، محمدحسن، جواهر الكلام في شرح شرايع الاسلام، دارالحياء التراث العربي، ١٤٠٤ق.
- (٥) مكارم شيرازي، ناصر، القواعد الفقهيّة، مدرسه الامام علي بن ابي طالب "عليه السلام" - ١٤٢٥
- (٧) فاضل لنكراني، محمد، القواعد الفقهيّة، مركز فقهى ائمه اطهار "عليهم السلام" - ١٤٣٤